

ولادت امام حسین (ع) ، از دیدگاه مورخین و محدثین

<"xml encoding="UTF-8?">



بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

مهمترین حادثه در حیات سومین اختر ولایت جانبازی و فداکاری و شهادت وی و فرزندان و یاران عزیزش در دشت کربلا است . حادثه ای که عقل ها را تکان داد و تمام حادثه ها را در برابر خود به دست فراموشی سپرده پیوسته در صفحات تاریخ باقی و پایدار است . حادثه ای که پیام های عظیم و فراوانی به ما آموزش می دهد که قلم از نوشتن آن عاجز و زبان از گفتن قاصر می شود ، ولی وظیفه ما این است ، آنچه در توان داریم ، به اشاعه فرهنگ عاشورا بپردازیم. همانطور که ایران عزیز ما ، شاخصه اش عاشورا است . روزی که همه مردم ، سیاه پوش ، با چهره غم زده و چشمان اشکبار به خیابان ها و میدان ها می آیند و با صدای زنجیر و سنج و طبل و شیپور عاشورا را فریاد می کنند . .. در روز عاشورای سال 61 هجری است اسلامی ساکت و رخوت زد و منزوی بودند ، آنها خود سپاه ستم بودند و بر روی امام حسین (ع) و یاران و خانواده او تیغ کشیدند . بر پیکر شهیدان اسب تازیدند ، سر های شهیدان را بر نیزه زدند و در شهرها گرداندند . نه حسرتی خوردند و نه اندوهی ، حتی شادمانی هم کردند . دعبل خزاعی (1) عمق و اوج این فاجعه را به روشنی و تلخی به تصویر کرده است :

راس بن بنت محمد و وصیه

یا للرجال علی قناه یرفع

والمسلمون بمنظر و بسمع

لا جازع من ذا و لا متخشع

سر پیامبر (صلی الله علیه و آلهو سلم) و جانشین او ، ای مردم بر نیزه بلند است .

و مسلمانان می بینند و می شنوند ، اما کسی ناله ای نمی کند و افسوس نمی خورد . و در یک کلام ، من فقط جمع آوری کننده ، مطالب از کتابهای مختلف هستم و امیدوارم مورد قبول آن امام رؤوف قرار گیرد .

ولادت امام حسین (علیه السلام)

در ولادت امام حسین (علیه السلام) کلمات علماء و محدثین و مورخین شیعه و سی دچار اختلاف گردیده که در چه روزی و در چه ماهی و در چه سالی بوده است ؟ سوم شعبان ، یا پنجم آن ، یا پنجم جمادی الاولی سال چهارم هجرت یا آخر ربیع الاول سال سوم چنانچه آن را شیخ طوسی « در تذهیب » و شهید در « دروس » و بهائی در « توضیح المقاصد اختیار کرده اند و موافق روایتی است که ثقه الاسلام کلینی عطر الله مرقد از امام ششم (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود : میان حسن و حسین یک طهر بود و فاصله ولادت آن شش ماه و ده روز است ، و منظورش اقل طهر است که ده روز است ولادت امام مجتبی نیمه ماه رمضان سال بدر (دوم هجرت) است ؛ و نیز روایت شده که میان حسن و حسین (علیه السلام) یک طهر نبود و مدت حمل امام حسین (علیه السلام) همان شش ماه بود و در مناقب ابن آشوب از کتاب انوار است که خدای تعالی پیغمبر خود را به حمل و ولادت امام حسین (علیه السلام) تهینت فرمود و به قتل او تعزیت ، و حضرت فاطمه آن را دانست و ناگوارش آمد و این آیه نازل گشت « مادرش او را به ناگواری آبستن داشته و ناگوارش فرو گذاشته ، و آبستنی و شیر خوارگی اش سی ماه بوده است . » (2) آبستنی زنان نه ماه است و نوزادی شش ماه نزاده است که زیست کند جز عیسی و حسین. (3) صدوق (ره) به سند خود از صفیه دختر عبدالمطلب رضوان الله علیها روایت کرده است که : چون حسین (علیه السلام) از شکم مادر به زمین آمد و من متولی آن بودم ، پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود : ای عمه ، فرزندم را نزدم آور ، عرض کردم: هنوز پاکیزه اش نکردم فرمود : تو او را پاکیزه کنی ؟ خدای تعالی او را نظیف و پاک کرده است . در روایت دیگر است که او را به پیغمبر دادم و او زبان را در کامش نهاد و حسین زبان رسول خدا را به مکیدن گرفت و من حس می کردم که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) جز شیر و عسل به وی نمی خوراند . شیخ طوسی در « مصباح » آورده که به قاسم بن ابی العلاء همدانی وکیل امام دهم نامه رسید که : مولای ما حسین بن علی (علیه السلام) روز پنجشنبه سوم شعبان بزاد ، آن روز را روزه دار و این دعا را بخوان : بار خدایا ، من از تو خواهش دارم به حق آن که در این روز زاده است ، و در ضمن این دعا است که فطرس به گهواره اش پناهنده شد و ما پس از وی به قبرش پناهنده شده ایم . (4) سید در « لهوف » گفته : در آسمان ، فرشته ای نماند جز آنکه نزد پیغمبر فرود آمد و همه به وی درود گفتند و درباره ی حسین (علیه السلام) او را تسلیت دادند و ثواب آنچه عطا شود و به گزارش دادند و تربیت حسین (علیه السلام) را به او نمودند و پیغمبر می فرمود : بار خدایا واکذار کسی که او را وانهد و بکش آن که او را بکشد و او را به مرادش برساند . (5) و در کتاب شیعه در اسلام نوشته « علامه فقید سید محمد حسن طباطبائی » درباره ولادت امام سوم چنین می فرماید : امام حسین (سید الشهداء) فرزند دوم علی (علیه السلام) از حضرت فاطمه (س) دختر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که در سال چهارم متولد شده است . آن حضرت پس از شهادت برادر بزرگوار خود امام حسن مجتبی (علیه السلام) به امر خدا و طبق وصیت وی ، به امامت رسید . (6) صبحگاه روز سوم شعبان سال چهارم هجرت ، دومین فرزند امام علی و حضرت فاطمه (س) در مدینه در خانه علی (علیه السلام) کنار مسجد النبی دیده به جهان گشود و خانه زهرای اطهر (س) به نور جمال این نو گل باغ نبوت و ولایت و چراغ

فروزان آسمان رسالت و امامت ، معطر و روشن شد . پیامبر (ص) به خانه فاطمه (س) آمد و فرمود : نوزاد را نزدش ببرید « اسما که افتخار کنیزی در خانه ی فاطمه (س) را داشت (7) نوزادش را به پارچه ای سفید پیچید و به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) برد . پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) او را در آغوش گرفت و کام او را با آب دهان مبارکش برداشت . و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت . روز اول یا هفتمین روز بود که جبرئیل از طرف خدا بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل شد و پس از سلام عرض کرد : « این کودک را به نام پسر کوچک هارون (برادر موسی (علیه السلام) « شبیر» که به عربی حسین است بگذار ، زیرا علی (ع) نسبت به تو همچون هارون نسبت به موسی (علیه السلام) است ، با این فرق که بعد از تو پیامبری نخواهد آمد . »

به این ترتیب نام حسین برای این فرزند دوم علی (علیه السلام) و فاطمه (س) گذاشته شد . طبق بعضی از روایات ، مدت حمل امام حسین (علیه السلام) شش ماه بود . روز هفتم ولادتش فاطمه الزهرا (س) گوسفندی را برای فرزندش به عنوان «عتیقه» کشت و سر آن حضرت را تراشید و هم وزن موی سرش نقره صدقه داد . (8) از سلمان نقل شده رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هارون برادر موسی» (علیه السلام) دو فرزندش را شبیر و شبیر نام نهاد و من دو فرزندم را حسن و حسین (که عربی شبیر و شبیر است) نهادم . (9)

نجات فطرس (فرشته)

در خرائج راوندی نقل شده ، هنگامی که امام حسین (علیه السلام) متولد شد ، خداوند به جبرئیل فرمانداد با گروه بسیار از فرشتگان به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آیند و تبریک بگویند ، جبرئیل در حین فرود از آسمان به زمین فرشته ای به نام « فطرس» را دید در جزیره ای افتاده ، علتش این بوده که خداوند او را مامور کاری ساخته و او در آن کار ، کندی کرده و در نتیجه به کیفر شکسته شدن گرفتار شده بود ، فطرس به جبرئیل عرض کرد به کجا می روید ؟ جبرئیل گفت : به سوی محمد (ص) فطرس عرض کرد : مرا نیز با خود حمل کن و نزد آن حضرت ببر شاید برایم دعا کند. جبرئیل خواسته او را پذیرفت و با هم همراه فرشتگان دیگر به حضور پیامبر (ص) رسیدند و تبریک گفتند ، جبرئیل ماجرای فطرس را به عرض رساند ، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: « به او بگو پیکرش را به این نوزاد حسین (ع) بمالد . » فطرس همین کار را کرد و همان دم ، خداوند فطرس را تندرست کرده به حال اول برگرداند ، سپس فطرس همراه جبرئیل به سوی آسمان پر گشود . (10) در روایت دیگر آمده : پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از درگاه خدا خواست تا به خاطر حسین (علیه السلام) فطرس را آزاد کند ، خداوند دعایش را مستجاب کرد ، فطرس به مرکز سکونت خود بازگشت و بین فرشتگان

افتخار می کرد و می گفت من مثلی و انا عتاقه الحسین بن علی وفاطمه وجده احمد کیست مثل من؟ من آزاد شده حسین(علیه السلام)فرزند علی(علیه السلام)وفاطمه(سلام الله)وجد حسن(علیه السلام)حضرت محمد(صلی الله علیه واله وسلم) هستم.(11) علامه مجلسی می نویسد:ام سلمه(یکی از همسران پیامبر(صلی الله علیه واله وسلم)گفت:لباس بهشتی برای حسین(علیه السلام)آوردند پیامبر(صلی الله علیه واله وسلم) به او پوشانید و فرمود: « این لباس ، هدیه ای است که پروردگارم به حسین (علیه السلام) اهدا نموده که تا پودش را ، پر جبرئیل و فرشتگان تشکیل می دهد و به حسینم می پوشانم و او را به این لباس می آرایم که بسیار دوستش دارم . »(12)آورده اند که : امام حسین (علیه السلام) از فاطمه و زن دیگر شیر نخورده و همیشه او را نزد پیغمبر (صلی الله علیه واله وسلم) می آوردند و ابهام خود را در دهانش می نهاد و آن را برای کفایت دو سه روز می مکید و گوشت امام حسین (صلی الله علیه واله وسلم) از گوشت و خوان پیغمبر روئید . (13)ابن شهر آشوب روایت کرده که « هنگام ولادت امام حسین (علیه السلام) حضرت فاطمه (سلام الله) مریض شد و شیر در پستان مبارکش خشک گردید ، رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) مرضعی طلب کرد یافت نشد ، پس خود آن حضرت تشریف آورد به حجره فاطمه (سلام الله) و انگشت ابهام خویش را در دهان حسین می گذاشت و او می مکید ! بعضی گفته اند که زبان مبارک را در دهان حسین(علیه السلام) می گذاشت و او را زقه می داد ، چنان که مرغ جوجه ی خود را زقه می دهد تا چهل شبانه روز ، رزق حسین (علیه السلام) را حق تعالی از زبان پیغمبر (صلی الله علیه واله وسلم) گردانیده بود ، پس رویید گوشت حسین (علیه السلام) از گوشت پیغمبر (ص) و روایات به این مضمون بسیار است.» (14)و در علل الشرایع روایت شده که « حال امام حسین (علیه السلام) در شیر خوردن بدین منوال بود تا آنکه رویید گوشت او از گوشت پیغمبر (صلی الله علیه واله وسلم) و شیر نیاشامید از فاطمه (سلام الله) و نه از غیر فاطمه. » (15) شیخ کلینی در کافی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که « حسین (علیه السلام) از فاطمه (سلام الله) و از زنی دیگر شیر نیاشامید ، او را به خدمت پیغمبر(صلی الله علیه واله وسلم) می بردند ، حضرت ابهام مبارک را در دهان او می گذاشت و او می مکید و این مکیدن او را دو روز سه روز کافی بود . پس گوشت و خون حسین(علیه السلام) از گوشت و خون حضرت رسول (صلی الله علیه واله وسلم) پیدا شد و هیچ فرزندی جز عیسی بن مریم (علیه السلام) و حسین بن علی (علیه السلام) شش ماهه از مادر متولد نشد که بماند ، و در بعضی روایات به جای عیسی ، یحیی نام برده شد .

تاکید پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) بر مقام والای امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)

1-علاقه شدید پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) به امام حسن و امام حسین (علیه السلام) اسامه بن زید می گوید : شبی به خاطر نیازی به در خانه پیامبر(صلی الله علیه واله وسلم) رفتم ، در را زدم ، پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم)) از خانه بپرس آمد ، چیزی در دست و آغوشش دیدم و لی ندانستم چیست ؟ پس از رفع نیاز ، پرسیدم آن چیست ؟ ناگهان حسن و حسین (علیه السلام) را در آغوشش یافتم و شنیدم سه بار فرمود هذا ابنای و ابنا ابنتی ، اللهم انک تعلم انی احبهما فاحبهما این دو ، پسران من و پسران دخترم هستند ، خدایا تو می دانی که این دو را دوست دارم ، پس این دو را دوست بدار. (16) در روایت دیگر می خوانیم پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم)) دست حسن و حسین (علیه السلام) را گرفته بود و فرمود : « کسی که مرا و این دو را و پدر ورمادر این دو را دوست بدارد ، در روز قیامت در درجه من همراه من است . » (17) انس بن مالک می گوید : « حالکم قطر ، اجازه حضور به محضر پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم)) یافت ، پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم)) به او اجازه داد و آن روز آن حضرت در خانه ام سلمه (یکی از همسران پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم)) بود ، پیامبر(صلی الله علیه واله وسلم) به امه سلمه فرمود : در را ببند ، کسی وارد نشود ، در این لحظه که ام سلمه می خواست در را ببندد ، حسین (علیه السلام) در را گشود و وارد شد و به دوش رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم)) می پرید ، پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) او را می بویید و می بوسید . حاکم قطر به پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) عرض کرد : « آیا این کودک را دوست داری ؛ فرمود «آری ، اتمم او را می کشند و اگر بخواهی مکان شهادتش را نشان می دهم ... » (18)

2- زیبایی حسین (علیه السلام)

طاووس یمانی نقل می کند : وقتی که امام حسین (علیه السلام) در مکان تاریکی می نشست ، مردم به وسیله شمع پیشانی و گلویش ، او را می دیدند چرا که رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم)) بسیاری از اوقات پیشانی و گلوی او را می بوسید . (19)

3- رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) معلم امام حسین (علیه السلام)

امام حسین (علیه السلام) هنوز زبان باز نکرده بود ، رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) برای انجام نماز مستحبی ایستاد ، حسین (علیه السلام) در کنارش بود ، رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) گفت « الله اکبر » ولی حسین (علیه السلام) نتوانست بگوید ، این کار شش بار تکرار شد بار هفتم وقتی که رسول خدا (ص) گفت « الله اکبر » حسین (علیه السلام) زبان گشود و گفت : « الله اکبر » امام صادق (علیه السلام) فرمود : **از این رو گفتن هفت تکبیر در آغاز نماز سنت (مستحبی) گردید .** (20) به این ترتیب نخستین کلام حسین (علیه السلام) هنگام گشودن زبان « الله اکبر » بود و تا آخر پای « الله اکبر » ایستاد و خون پاکش را برای اعلای کلمه « الله اکبر » ایثار کرد و در ضمن این درس را از این حدیث می آموزیم که کودکان را در همان آغاز با نا مخدا آموزش دهیم و نسبت به کودکان مهربانی کنیم ، چرا که مهربانی نقش مهمی در پرورش سالم روحی و جسمی کودک دارد . چنانکه سعدی می گوید :

درس معلم ار بود زمزمه مجتبی جمله به مکتب آورد طفل گریز پای او

4- بزرگان اهل بهشت

رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) فرمود : « ما خاندان عبدالمطلب بزرگان اهل بهشت هستیم (یعنی) من و علی و جعفر دو پسر ابوطالب و حمزه پسر عبدالمطلب و حسن و حسین (علیهما السلام) و در نقل دیگر ، نام حضرت مهدی (علیه السلام) نیز آمده است . (21)

5-امام حسن و حسین (علیهما السلام) فرزندان پیامبرند

طبق روایات بسیار ، حسن و حسین (علیهما السلام) به عنوان پسران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خوانده شده اند و معمولاً نسل هر کسی از ناحیه پسر ادامه می یابد ؛ ولی نسل پیامبر اسلام (ص) از ناحیه ی دخترش فاطمه استمرار یافت . در این باره به این روایت توجه کنید : جابر انصاری می گوید : « من و عباس (عموی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نشستیم ، ناگهان علی (علیه السلام) آمد و سلام کرد ، پیامبر ((صلی الله علیه وآله وسلم) جواب سلامش را داد و برخاست او را در آغوش گرفت و بین دو چشمش را بوسید و در جانب راست او را نشانده .» عباس به پیامبر ((صلی الله علیه وآله وسلم) عرض کرد : «آیا علی (علیه السلام) را دوست داری ؟ فرمود : ای عمو سوگند به خدا علی محبوبترین مخلوقات نزد من است ، خداوند نسل هر پیامبری را از صلب خودش قرار داد و نسل مرا از صلب این شخص .» (22)

6-سلام خدا بر پدر دو دسته گل خوشبو

روزی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی ((علیه السلام)) فرمود : « سلام خدا بر تو ای پدر دو دسته گل خوشبو ، در مورد این دو دسته گل خودم (حسن و حسین) در دنیا به تو سفارش می کنم . » (23)

7- دو گوشواره عرش خدا

پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) فرمود : در روز قیامت ، عرش خدا به تمام زینت ها آراسته می شود ، امام حسن (علیه السلام) بر بالای یکی از منبرها و امام حسین (علیه السلام) بر بالای منبر دیگر قرار می گیرد ، خداوند عرش را با وجود این دو بزرگواران تزیین می نماید ، همچنانکه دو گوشواره زن را زینت می بخشد . (24) و در تعبیر دیگر رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) با صراحت فرمود : حسن و حسین (علیه السلام) دو گوشواره عرش خدایند . (25) با توجه به اینکه عرض از تمام آسمان ها و زمین و هر چه در جهان هستی غیر از خدا هست بزرگتر می باشد و مرکز مدیریت همه جهان هستی است .

8- حسن و حسین (علیهما السلام) بهتر از همه

پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) فرمود « حسن و حسین بهتر از همه انسان های روی زمین بعد از من و بعد از علی و مادرشان هستند و مادرشان بهترین زنان زمین است . (26)

9- حسن و حسین علیهما السلام دو عروه الوثقی دین

رسول خدا ((صلی الله علیه واله وسلم)) فرمود : هر کس که بخواهد به عروه الوثقی (دستگیره محکم دین) تمسک کند آن گونه که خداوند در قران (آیه 256 سوره بقره) فرمود(27): ولایت و دوستی علی و حسن و حسین (علیه السلام) را بپذیرید ، چرا که خداوند بزرگ حسن و حسین (علیه السلام) را بر فراز عرش ، دوست دارد . (28)

10- عالیتین پیوند معنوی پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) با حسین (علیه السلام)

پیامبر(صلی الله علیه واله وسلم) فرمود : « حسین منی و انا من حسین احب الله من احب حسینا» حسین از من است و من نیز از حسینم کسی که حسین را دوست بدارد خداوند او را دوست می دارد . (29) نیز فرمود : « در جانب راست عرش خدا نوشته شده : « ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه » حسین چراغ روشنی بخش هدایت و کشتی نجات است . (30)

پیشگویی و اندوه پیامبر ((صلی الله علیه واله وسلم)) از شهادت حسین (علیه السلام) ابن عباس می گوید : روزی پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) در محلی نشسته بود ، در این هنگام امام حسن مجتبی (علیه السلام) نزد پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) آمد ، پیامبر(صلی الله علیه واله وسلم) تا او را دید ، بی اختیار سر شک اشک از دیدگانش جاری شد و حسن (علیه السلام) را روی زانوی راستش نشانید . سپس فاطمه (س) آمد ، حضرت تا او را دید ، اشکش جاری شد ، فرمود : دخترم پیش بیا ، او آمد در مقابل آن حضرت نشست سپس علی (علیه السلام) آمد ، پیامبر ((صلی الله علیه واله وسلم)) تا او را دید ، اشک در چشمش حلقه زد ، فرمود : برادر من ! پیش بیا ، حضرت علی (علیه السلام) پیش آمد و آن حضرت را در طرف راستش نشانید . بعضی از اصحاب از رسول خدا (ص) پرسیدند : چرا شما هر یک از آنها را دیدید گریستید ؟ حضرت در پاسخ فرمود : « سوگند به خدایی که مرا برگزید و از همه جهانیان برتری بخشید ، و من و اینها گرامیتین خلق خدا هستیم و هیچ کسی برایم محبوبتر از اینها نیست ، سپس ماجرای شهادت هر یک را شرح داد تا به حسین (ع) رسید فرمود : اما حسین از من است ، او فرزند و پسر من و بهترین خلق بعد از برادرش حسن است ، او امام مسلمانان و خلیفه پروردگار جهان و پناه بی پناهان و دادرس مظلومان و مایه رحمت خدا بر همه ی خلایق است .» او سرور جوانان اهل بهشت و باب نجات امت می باشد ، امر او امر من و اطاعت او ، اطاعت از من است ، کسی که از او پیروی کند از من پیروی نموده و کسی که از فرمان او سر پیچی نماید ، از من نیست ، من وقتی که او را دیدم به یاد مصایبی افتادم که بعد از من به او وارد می شود گویی او را می بینم که تیری به بدنش می رسد و از

پشت اسبش بر زمین می افتد ، سپس همچون گوسفند او را مظلومانه ذبح می کنند . در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) گریه کرد و همه حاضران صدا به گریه بلند کردند . سپس فرمود : خدایا ، از آنچه که بعد از من ، نسبت به اهل بیتم روا می دارند به تو شکایت می کنم ، آنگاه حضرت برخاست و به خانه اش رفت.(31)

مقام امام حسین (علیه السلام) در بهشت

انس بن مالک می گوید : روزی مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و درباره ی علی (ع) سوالی کرد ، حضرت فرمود : آیا از علی می پرسی ، روز قیامت ، حضرت علی (ع) ، سوار بر شتری از شترهای بهشتی شده که پاها او از زبرجد سبز و چشمان او از یاقوت سرخ و کوهان او از مشک خوشبو است ، پرچم حمد در دست اوست که آن پرچم ، چهل قسمت می باشد و بین زمین و آسمان را پر کرده است . حمزه (سید الشهداء) در طرف راست آن ، جعفر طیار در طرف چپ آن ، حضرت فاطمه پشت سر آن ، حسن و حسین در دو طرف آن (بین حمزه و جعفر) قرار دارند ، منادی حق فریاد می زند کجایند علاقه مندان به این گروه ، کجایند دشمنانشان ؟ این علی (ع) فرزند ابوطالب است که نامه عملش را به دست راست گرفته تا به بهشت روانه گردد . (32) ابوهیریه می گوید : پیامبر (ص) را دیدم حسن و حسین (علیهماالسلام) را بر شانه های خود نشاند ، و نزد ما می آید وقتی به ما رسید فرمود : « هر کس این دو را دوست بدارد ، مرا دوست داشته و هر کس با آن دشمنی کند با من دشمنی کرده است . » (33) درباره سیمای امام حسین (ع) نقل می کند که او در ظاهر و باطن شبیه ترین مردم به رسول خدا (ص) بود . و پیامبر (ص) در گفتاری فرمود : « این حسین است او را بشناسید ، سوگند به کسی که جانم در دست قدرت او است حسین اهل بهشت است و دوستان او و دوستان او نیز در بهشتند . (34)

11- علم امام حسین (علیه السلام) در دوران کودکی

حذیقہ می گوید : از امام حسین (ع) شنیدم می فرمود : « سوگند به خدا حتما ظالمان بنی امیه که در پیشاپیش آنها عمر بن سعد است ، اجتماع و اتفاق رای می کنند برگشتن من . » عرض کردم : « آیا پیامبر (ص) این خبر را به تو داد ؟ » فرمود : نه .
به حضور پیامبر (صلی اللہ علیہ والہ وسلم) رفتم و ماجرا را گفتم ، فرمود :
علمی علمه و علمه علمی ، لانا نعلم بالکائن قبل کینونته
علم من ، علم حسین و علم حسین ، علم من است زیرا ما به چیزی که پدید می آید ، قبل از پدید آمدنش آگاهییم . (35)

12-علاقه شدید پیامبر (صلی اللہ علیہ والہ وسلم) به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)

روایت شده : ابوهریره گفت : روزی پیامبر به نماز مشغول شد هنگامی که به سجده رفت

ظت ، حسن (ع) و حسین (ع) بر پشتش پریدند و سوار شدند ، وقتی افرادی خواستند ان دو را از این کار باز دارند ، پیامبر (ص) به آنها اشاره کرد که کاری نداشته باشند ، وقتی نماز تمام شد ، آن دو کودک را به بغل گرفت و فرمود : من احبنی فلیحب ہذین ، کسی که مرا دوست بدارد باید آن دو را دوست بدارد . « (36)

فراق جانگداز :

همان گونه که پیامبر (ص) به حسن و حسین علیهما السلام علاقه فراوان داشت ، آنها نیز علاقه فراوان به پیامبر (ص) داشتند و بیشتر به جای اینکه در منزل باشند ، نزد پیامبر (ص) بودند و طبق روایاتی ، اصلاً حسین (ع) از پستان مادر ننوشید ، بلکه انگشت پیامبر (ص) را می گرفت و به دهان می گذاشت و می مکید و غذای او تامین می شد به هر حال حسین (ع) شیرۀ جان پیامبر (ص) بود . از این رو از نارحتی های شدید روزگار ، فراق این دو بزرگوار با پیامبر (ص) است ، آن هنگامی که بیست و هشت صفر سال یازدهم هجرت فرا رسید و پیامبر (ص) در بستر رحلت قرار می گرفت ، علی (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) و گروهی از بنی هاشم کنار بستر رحلت قرار گرفت ، علی (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) و گروهی از بنی هاشم کنار بستر حاضر بودند ، حسن (ع) در این وقت حدود هفت سال داشت و حسین (ع) در حدود شش سال و نیم به راستی هنگام رحلت پیامبر (ص) برای این دو آقا زاده چه گذشت ؟ و این از نمونه اندوه های بسیار شدید و جانسوز روزگار است که قلم از بیانش ناتوان است . مرحوم صدوق از ابن عباس نقل می کند : در لحظه ی آخر عمر پیامبر (ص) حسن و حسین (علیهما السلام) در حالی که می گریستند و شیون می نمودند ، به بالین پیامبر (ص) جدا کند ، ولی پیامبر (ص) فرمود : **یا علی دعنی اشمهما ویشانی و اتزود منهما و یتزو دان متی ، انهما سیظلما بعدی و یقتلان ظلما**

« ای علی بگذار من آنها را ببویم و آنان مرا ببویند ، من از دیدار آنها بهره گیرم و آنها نیز از دیدارم بهره گیرند ، که این دو فرزند ، بعد از من ستم ها خواهند دید و مظلومانه کشته می شوند . » آنگاه پیامبر (ص) سه بار فرمود : **« فلعنه الله علی من یظلمهما ، خدا لعنت کند آنان را که به این دو فرزند ظلم می کنند. (37)**

خبر از شهادت امام حسین (علیه السلام) و ارزش تربیت او

روایات متعدد نقل شده که پیامبران سابق اسلام (ص) و حضرت علی (ع) خبر از شهادت امام حسین (ع) داده

کشتی نوح (ع) در کربلا

در طوفان جهانی حضرت نوح (ع) کشتی نوح در همه زمین (که به صورت دریا درآمده بود) گشت تا رسید به سرزمین کربلا ، نوح احساس کرد ، کشتی در مانده و زمین آن را می کشد ، نوح به گمان غرق کشتی ترسید ، جریان را به خدا عرض کرد ، جبرئیل بر او نازل شد و گفت : در این سرزمین حسین (ع) سبط محمد خاتم پیامبران (ص) و فرزند علی خاتم اوصیاء (ع) را می کشند . نوح عرض کرد : قاتل او کیست ؟ جبرئیل گفت : قاتل او کسی است که اهل هفت آسمان و زمین او را لعنت می کنند ، حضرت نوح (ع) چهار بار ، قاتل امام حسین (ع) را لعنت کرد ، آنگاه کشتی به حرکت در آمد ، سر انجام در کوه جودی (در ناحیه شام) مستقر شد . (39)

خطاب خدا به حضرت موسی (علیه السلام)

موسی (ع) به خدا (عزوجل) عرض کرد : برادرم از دنیا رفت ، او را پیامرز ، خداوند به او خطاب کرد : « ای موسی اگر از من در مورد همه گذشتگان و آیندگان سوال کنی ، جواب مثبت به تو می دهم ، جز در مورد قاتل حسین بن علی (ع) من از قاتل او حتماً انتقام می کشم . » (40)

نور پنج آل عبا (ع) در عصر آدم (ع)

روایات بسیاری از کتب معتبر رسیده که نور پنج تن (محمد (ص) ، علی (ع) ، فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) قبل از تولدشان وجود داشته و آدم و نوح و ابراهیم و موسی و ... در حوادث شدید و خطرناک ، پنج تن آل عبا (علیه السلام) را در درگاه خداوند واسطه قرار می دادند . به عنوان نمونه تنها در میان دهها روایت ، به روایت جالب زیر توجه کنید :

در کتاب ادريس پیامبر (41) آمده : « حضرت ادريس روزی به یاران خود رو کرد و گفت : روزی فرزندان آدم (ع) در حضور او درباره بهترین مخلوقات خدا بحث کردند ، بعضی گفتند پدر ما آدم بهترین مخلوق خداست ، چرا که خدا او را با دست قدرتش خلق کرد و روح منسب به خود را در او دمید و به امر او ، فرشتگان به عنوان احترام آدم ، آدم را سجده کردند. (42) و آدم را معلم فرشتگان خواند و او را خلیفه زمین قرار داد و اطلاعات او را بر مردم واجب نمود . عده ای گفتند : نه ، بلکه بهترین مخلوق خدا ، فرشتگانند که نافرمانی از خدا نمی کنند و همواره در اطاعت

خدا به سر برند ولی حضرت آدم (ع) ترک اولی کرد و خداوند او و همسرش را از بهشت بیرون نمود ، گرچه توبه او را پذیرفت و او را هدایت نمود و به او و فرزندانش وعده ی بهشت داد . گروه سوم گفتند : بهترین خلق خدا ، جبرئیل است که درگاه خدا امین وحی می باشد . گروه دیگر سخن دیگری گفتند و بگو مگو زیاد شد ، تا اینکه حضرت آدم (ع) در مجلس حاضر گشت ، پس از اطلاع از ماجرا به آنها فرمود : « فرزندانم ! آن طور که شما فکر می کنید ، درست نیست . وقتی خداوند مرا آفرید و روحش را در من دمید بلند شدم و نشستم در حالی که به عرش خدا می نگریستم ناگهان پنج نور در نهایت شکوه و کمال و درخشش دیدم که غرق در انوار آن شدم . عرض کردم خدایا این پنج نور کیستند ؟ فرمود؟ این پنج نور ، نور اشرف مخلوقات اند ، اینها بابهای رحمت من و واسطه ی بین من و مخلوقاتم هستندو اگر اینها نبودند تو را و آسمانها و زمین و بهشت و دوزخ و خورشید و ماه را نمی آفریدم ، عرض کردم : خدایا نام اینها چیست ؟ فرمود : به عرش بنگر . وقتی به عرش نگاه کردم این نام های پاک را یافتم : بارقیطا ، ایلیا ، طیطه ، شبیر ، شبیر . یعنی محمد (ص) ، علی (ع) ، فاطمه (س) ، حسن و حسین (علیهما السلام) (43) در آیه 37 سوره بقره می خوانیم : فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه ؛ (پس از ترک اولی که ادم آدم سرزد و او و همسرش از بهشت رانده شدند) آدم (ع) توبه کرد و از پروردگار خود کلماتی دریافت و با آنها توبه کرد و خداوند توبه اش را پذیرفت . از ابن عباس نقل شده از پیامبر (ص) سوال شد منظور از این «کلمات » چیست که آدم آن را در درگاه خدا واسطه قرا داد ، فرمود : « آدم ، خداوند را به حق محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) یاد نمود و درخواست کرد خداوند توبه اش را پذیرفت » (44)

آیه تطهیر در حق حسین (علیه السلام) و ...

در آیه 33 سوره احزاب می خوانیم : **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً .** همانا خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما (اهل بیت) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد .روایات بیشماری از کتب سنی و شیعه رسیده که منظور از اهل بیت در آیه مذکور پیامبر (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) هستند .(45) به عنوان نمونه به این روایت توجه کنید : « پس از نزول آیه ی فوق ، مدت شش ماه ، پیامبر (ص) برای نماز صبح از کنار خانه فاطمه (س) می گذشت و صدا می زد : هنگام نماز است ای اهل بیت . إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً . به این ترتیب می بینیم حسین (ع) جزء اهل بیت و پاکان و معصوم از هر جهت است و تکرار مداوم آیه ی تطهیر فوق در شش ماه ، از پیامبر (ص) برای آن است که به طور کامل مشخص شود که این خاندان از اهل بیت هستند و مشمول آیه تطهیر می باشند و

کسی در این باره شک نکند. (46) در آیه 8 و 9 سوره دهر می خوانیم:

8. وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا 9. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً شُكْرًا .

و می خورانند طعام را بر دوستی خدا به فقیر و یتیم و اسیر . جز این نیست که اطعام می کنیم شما را برای رضای خدا نمی خواهیم از شما پاداشی و نه شکری و مجمل شان نزول بر طبق روایت کشاف و غیره آنکه حضرت امیر مومنان علیه السلام برای امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) سه روز روزه نذر کرده بود . و همچنین حضرت فاطمه (س) فضه و بعد از شفا یافتن هر پنج نفره به روز ه رفتند پس حضرت فاطمه (س) شب اول یک صاع جو از جمله سه صاع که به قرض گرفته شده بود آرد کرده پنج قرض نان پخت و هنگام افطار به مسکینی که در خانه آمده بود دادند و همگی یا آب افطار کردند در شب دوم به یتیمی دادند و در شب سوم به اسیری دادند و با آب افطار کردند . پس در روز چهارم در حالتیکه حضرت رسول خدا (ص) در ناتوانی فاطمه و حسن و حسین (علیهما السلام) نگران بود جبرئیل با این سوره نازل شد و تحیت الهی را رسانید . (البته در بعضی روایات می گویند : فضه جزو آنها نبوده است) به این ترتیب می بینیم حسن و حسین (علیهما السلام) در دوران کودکی دوش به دوش پدر و مادر ، در سخت ترین شرایط ، دیگران را بر خود مقدم می دارند .

پی نوشت ها :

1. دعبل خزاعی ، دیوان (بیروت ، دارالکتب البنانی 1972 م ، ص 107)

2. احقاف / 15

3. گویم که احتمال قوی می دهم عبادت خبر یحیی و حسین بوده ، زیرا یحیی و حسین به هم شباهتها داشتند که مدت حمل یکی از آنها است و در خبر دیگر حمل یحیی شش ماه است و حمل حسین (ع) چنین است ولی مدت حمل عیسی (ع) در بسیاری از روایات نه ساعت است که هر ساعتی به جای یک ماه است

4. مصباح المجتهد ، شیخ طوسی ج 2 ص 735

5. ابن شهر آشوب در « مناقب » گوید : در حدیث است که : روزی جبرئیل نازل شد ، حضرت در خواب دید و حسین به شیوه کودکان بی تابی می کرد ، جبرئیل نشست و او را به گریه بازداشت تا مادرش بیدار شد ، رسول خدا (ص) او را از این واقعه آگاه کرد

6. ارشاد مفید ، ص 179 و اثبات الهداه ، ج 5 ، ص 168-212. اثبات الوصیه ، مسعودی (چاپ تهران - سال 1320) ص 125 .

7. نظر به اینکه اسماء (هعمر جعفر طیار در این هنگام در حبشه بود ظاهراً خدمتگذار خانه زهرا (س) در این وقت اسلمی بنت عمیس (همسر حضرت حمزه) بوده است .

8. کافی ، ج 6 ، ص 33 .

9. مناقب ابن مغازی ، ط اسلامیه ص 379

10. بحار ، ج 44 ، ص 182

11. مناقب آل ابیطالب ، ج 4 ، ص 74 و 75

12. چهارده معصوم ، عماد زاده ، ص 614

13. کتاب در کربلا چه گذشت با (ترجمه نفس المهموم) تالیف : مرحوم شیخ عباس قمی .

14. کتاب منتهی الامال ، ج 1 فصل 1 ، ص 417
15. علل الشرایع ، باب 361 ، ص 734
16. صحیح ترمذی ، ص 192 (در طبع دیگر ج 5) ص 322 . نظیر این روایت در مناقب ابن مغزلی ، ص 375 آمده است .
17. مسند احمد بن حنبل ، ج 1 ، ص 77 ، مناقب ابن مغزلی ص 370 .
18. مناقب ابن مغزلی ، ط اسلامیة ، ص 377 . در این باره روایاتی با ذکر طرق سندشان در کتاب « سنتنا و سیرتنا » تالیف علامه امینی آمده است .
19. بحار ، ج 44 ، ص 178 و 194 ، مناقب ابن آشوب ، ج 4 ، ص 73 و 75 به نقل از جامع ترمذی
20. بحار ، ج 44 ، ص 196
21. تاریخ خطیب ، ج 9 ، ص 434 – شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ، ج 2 ، ص 181 – مناقب ابن مغزلی شافعی ، ط اسلامیة ، ص 48 .
22. جامع الصغیر سیوطی ، ج 1 ، ص 230 و مدارک دیگر در پاورقی مناقب ابن مغزلی ص 49 .
23. سلام الله علیک یا اباالریحانتین ، اوصیک بریحانتی من الدنیا (ناسخ التواریخ ، ص 36) .
24. امالی صدوق ، مطابق نقل ناسخ التواریخ امام حسین (ع) چاپ رحلی ، ص 31
25. بحار ، ج 44 ، ص 242
26. عیون اخبار الرضا ، طبق نقل ناسخ التواریخ امام حسین (ع) ، ص 22
27. کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد . « فقد استمسک بالعروة الوثقی » « به دستگیره محکمی دست یافته است » (بقره 256) .
28. عیون اخبار الرضا ، طبق نقل ناسخ التواریخ امام حسین (ع) ص 22
29. سنن ترمذی ، ج 5 ، ص 324
30. کمال الدین صدوق ، ص 154 ، بحار ، ج 36 ، ص 205
31. فرائد السمطین ، محمد حموینی شافعی ، ج 2 ، باب 8 .
32. بحار ، ج 7 ، ص 331
33. الاصابه ، ج 11 ، ص 33
34. فتح الباری ، ج 7 ریا ، ص 75
35. بحار ، ج 44 ، ص 189
36. مناقب ابن آشوب ، ج 3 ، ص 384
37. کحل البصر از محدث قمی ، ص 194
38. کتاب بحار ، ج 44 ، روایات بسیار به این عنوان تنظیم شده ، به صفحه 223 تا 268 مراجعه شود .
39. بحار ، ج 44 ، ص 243
40. عیون اخبار الرضا (ع) ، ج 2 ، ص 47 .
41. این کتاب در سال 1895 میلادی در لندن به زبان سریانی چاپ شده است و روایت فوق در صفحه 514 و 515 آن آمده است
42. این سجده ، سجده تکریم و کر بود ، تشکر از خداوند متعال که موجودی به نام انسان دارای روح نورانی آفریده

است .

43. علی و الحاکمون ، تالیف استاد محمد صادقی ، ص 53 ، ما در این باره در کتاب رسول الاسلام فی الکتب السماویه و پنجاه و نه بشارت از پیامبران سابق درباره پیامبر اسلام محمد (ص) و علی (ع) و امام حسین (ع) و امام مهدی (ع) ذکر کرده ایم .

44. مناقب بان مغازی شافعی ، ط اسلامی ، ص 63 ، این روایت از طریق متعدد از ائمه اهل بیت (ع) ، نیز نقل شده است . (تفسیر نور الثقلین و مجمع البیان ذیل آیه 37 بقره) .

45. در این باره به شواهد تنزیل ، ج 2 ، ص 10 تا 92 و احقاق الحق جلد 2 ، در المنثور ذیل آیه 33 سوره احزاب و تفاسیر شیعه ذیل (همین آیه مراجعه شود)

46. شرح این مطلب را در تفسیر نمونه ، ج 17 ، ص 287 تا 305 را بخوانید .

منابع

1. قرآن

2. ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، انتشارات علامه ، قم ، بی تا

3. ابن مغازی ف مناقب ، ط اسلامی ، بی تا

4. ابن بابویه ، ابی جعفر بن علی بن الحسین ، عیون اخبار الرضا ، المطبعه الحیدریه النجف ، بی تا

5. ابن بابویه ، ابی جعفر محمد علی بن الحسین ، علل الشرائع ، طبعه مصححه ، منقحه ، بی تا

6. احمد بن حنبل ، المسند ، ناشران ، مکتبه السلامی ، دار صار ، بیروت ، بی تا

7. ابن ابی حدید ، شرح نهج البلاغه ، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم ، چاپ دوم ، مصر

8. دعبل خزاعی ، دیوان ، دار الکتب لبنانی ، بیروت ، 1972 م ص 107

9. سنن ترمذی ، المکتبه اسلامی ، للحاج الشیخ

10. شیخ طوسی ، مصباح المجتهد ، ناشر موسسه فقیه شیعه ، بیروت 1411

11. شیخ مفید ، ارشاد ، مصنفات شیخ مفید ، تهران ، بی تا

12. شیخ عباس قمی ، منتهی الامال ، نشر جمال ، تاریخ چاپ 1382 هـ . ش

13. شیخ عباس قمی ، کتاب در کربلا چه گذشت (ترجمه نفس المهموم) مترجم محمد باقر کوه کمر هان ، انتشارات جمکران 1382 هـ . ش

14. شیخ صدوق ، کمال الدین ، مکتبه صدوق

15. شافعی ، محمد حموی ، فرائد المسطین ، ط ، مصر ، بی تا

16. صحیح ترمذی ، مناقب ، ط بیروت ، بی تا

17. عمار زاده ، چهارده معصوم ، بی چا ، بی تا

18. الکلبینی الرازی ، ابن محمد بن یعقوب بن اسحاق ، کافی ، ج 8 ، دار الکتب اسلامی - تهران ، 1363 هـ ش

19. مسعودی ، اثبات الفرضیه ، چاپ تهران سال 1320 هـ . ق

20. مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، ج 110 ، دار الکتب اسلامی ، تهران 1362 ، هـ . ق

21. محدث ، کحل البصر ، بی چا ، بی تا

ع/